





سرشناسه: شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: آیا می‌توان نماز را به فارسی خواند؟/ نویسنده حمیدرضا شاکرین؛
 برای آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

شابک: 978-600-6543-89-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: نماز -- ادبیات نوجوانان

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره: BP۱۸۶۱۳۹۱ ۱۶۴۱۹ش/

رده بندی دیویی: ۲۵۳/۲۹۷ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۷۷۷۶۶



۲۷ → چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟

نویسنده: حمیدرضا شاکرین

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام‌رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ Rahnama@Aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟

وجهه همت نویسنده در پدیدآوردن این اثر، پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است:

۱. خواندن نماز به فارسی باعث توجه بیشتر به معانی عبارت‌ها می‌شود. پس چرا باید عربی بخوانیم؟
۲. چرا برتری زبان عربی، آن‌هم به‌اقرار قرآن‌پژوهان غربی، دلیلی بر عربی خواندن نماز می‌شود؟
۳. آیا پاسداری از زبان دین و استمرار بخشی به آن، وظیفه ماست؟
۴. عربی خوانی نماز چگونه در تداوم و پایایی دین مؤثر است؟
۵. پاسخ شگفت و قانع‌کننده مرحوم ارباب به دغدغه جوانانی که نماز را به فارسی می‌خواندند، چه بود؟

مَدْلِلُهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مذلی تعریفیں اللہ ہی کے لیے ہیں جو تمام جہانوں کا مالک ہے

رَّحِيمٌ ۝ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

نہایت رحم والا ہے روزِ جزا کا مالک ہے

نَعْبُدُكَ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝

عبادت کرتے ہیں اور تجھ ہی سے مدد مانگتے ہیں اے اللہ اور اے محمدؐ

الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

سیدھے راستے پر لوگوں کے لیے جو نے ان پر نفع فرمایا ہے

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ هَدَانَا لِهَذَا ۝

الحمد ہے اللہ کے لیے جس نے ہم کو اس کے لیے ہدایت فرمائی اور ہم اس کے لیے ہدایت نہ کرتے تھے



برای بسیاری این پرسش وجود دارد که راز عربی بودن نماز چیست و آیا برای ما که فارسی زبان هستیم، بهتر نیست نماز را به زبان مادری خود بخوانیم تا برایمان آسان تر باشد و مضمون آن را بهتر بفهمیم؟ در پاسخ به این پرسش، نکات مختلفی برای گفتن وجود دارد که اینک به اختصار برخی از آنها را بررسی خواهیم کرد.

حکمت‌های عربی بودن نماز

عربی بودن نماز حکمت‌هایی دارد، از جمله:

زبان دین

زبان عربی نه زبان یک قوم، بلکه زبان دین ماست و از این رو برای ما اهمیت بسیاری دارد. انس و آشنایی با زبان عربی سبب پیوند مستقیم ما با کلام خدا و سنت گفتاری پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام می شود.



عربی بودن نماز یکی از عواملی است که رابطه دائمی انسان با زبان دین و پیوند گسستناپذیر او با کتاب آسمانی را سبب می شود و زمینه آشنایی مستقیم با معارف دینی را فراهم می آورد. از همین رو مسلمانان، از هر نژاد و دارای هر زبان، همواره کوشیده اند که با این زبان آشنا شوند تا از طریق آن، رابطه بهتر و مستقیم تری با معارف دینی برقرار کنند؛ برای نمونه، دکتر محمد تقی الدین الهلالی در مقدمه تفسیر قرآن به زبان انگلیسی از شیخ عمر ازبک، یکی از عالمان ترک تبار ازبکستان، نقل می کند:

«از زمانی که روس ها ما را وادار به آموختن زبان خودشان کردند، نذر کردم که جز با زبان قرآن و پیامبر ﷺ سخن نگویم؛ زیرا دانستم که آنان آگاهانه به این کار دست زده و می دانند که در قالب آموزش زبان انسان ها عقاید و افکار آنان را فرا گرفته و با آنان در می آمیزند. پس بگذار هر که با من انس می گیرد، زبان قرآن را بیاموزد و من خود در این باره به او کمک



خواهم کرد...»^۱

غنای زبان عربی

زبان عربی از نظر واژگان، مفاهیم و ساختار معنایی، به‌ویژه در حوزه معارف دینی، بسیار غنی است. از سوی دیگر، بخش مهمی از نماز به قرائت سوره‌هایی از قرآن اختصاص دارد. قرآن نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ از جمله اینکه واژه‌های به‌کاررفته در آن، شیوه تعبیر، پیوند واژه‌ها و سازه‌های کلام با یکدیگر، با اعجاز همراه است و بشر هرگز قادر نیست که با دقت و صحت کافی، کلام خدا را به زبان دیگر برگرداند و جایگزین متن اصلی و عربی آن کند؛ البته مشکل ترجمه مشکلی فراگیر است و اختصاص به کتاب الهی ندارد، تا آنجا که

1. *The Noble Qoran in English Language*, by: Dr. M. Taqiuddin Al_Hilali, 8 Dr. Muhammad Muhsin Khan, Kazi Publications, 121_Zulqarnain Chambers, Ganpat Road, Lahor, Pakistan, VOL. I. P. xxxiii.



برخی، همچون کواين، ترجمه را امکان‌ناپذير می‌انگارند. از همين رو پژوهشگران چيره‌دست در متون علمی، تا حد امکان استناد به اصل منابع استفاده شده خود را بر استفاده از ترجمه‌ها و نقل قول از آن‌ها ترجيح می‌دهند؛ اما حساسيت اين مسئله در خصوص قرآن مجيد صدچندان است. پروفيسور ايزوتسو، قرآن پژوه معاصر، می‌نويسد:

«واژه‌های ترجمه‌شده در بهترين صورتشان جز معادل‌های جزئی نيستند. از آن‌ها فقط می‌توان به‌عنوان رهنمودهای ساخته‌وپرداخته‌ای در برداشتن گام‌های لرزان نخستين استفاده نمود؛ هرچند در بسياری از موارد از اين بابت نه‌تنها وافی به مقصود نيستند، بلکه گمراه‌کننده نيز می‌باشند؛ ولی به‌هر حال، هرگز نمی‌توان بحث و بررسی ساختمان جهان‌بینی اخلاقی قومی را بر بنياد آن‌ها مستقر ساخت.»^۱

۱. توشیهیکو ایزوتسو، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: قلم، ص ۲.



استاد حجتی نیز بر آن است که «مفردات و تکواژه‌های قرآن به گونه‌ای به هم پیوند یافته‌اند که با گذر از هر بخشی از این تراکیب به بخش دیگر، معنی بدیع‌تر و دقیق‌تری را یکی پس از دیگری القا می‌کنند.»^۱ او سپس می‌نویسد: «در قرآن کریم، به‌خاطر اینکه به زبان عربی است و این زبان از تنوع واژه و رسایی آن‌ها غنی است، کلمات مترادف به‌مفهوم اصطلاحی در آن وجود ندارد و در نتیجه، الفاظی که در قرآن مترادف به‌نظر می‌رسند، هریک حامل خصوصیتی است متمایز از یکدیگر که ترداف را از آن‌ها سلب می‌کند. با توجه به نکته‌ی اخیر انتخاب واژه‌های عربی در قرآن با خصیصه‌ی اعجاز توأم است. به‌عبارت دیگر، به‌جای لغتی که در قرآن کریم مرادف با لغت دیگر به‌نظر می‌رسد، محال است لغت دیگری را به‌کار برد؛ [برای مثال،] در قرآن کریم واژه‌های «خالق»، «بارئ»، «فاطر» در جایگاه‌های مختلفی

۱. سیدمحمدباقر حجتی، «ویژه‌نامه‌ی ترجمه‌ی قرآن»، فصل‌نامه‌ی مترجم، ش ۱۰، س ۳، تابستان ۱۳۷۲، ص ۳۵.



آمده که نمی‌توان خصوصیات آن‌ها را با تعبیر «آفریدگار» القا کرد. از آنجا که خداوند متعال بر همه لغات از نظر آگاهی احاطه کامل دارد، بهترین آن‌ها را در جای مناسب آورده است که این کار از عهده توانایی بشر بیرون است. به تعبیر پاره‌ای از علما، ترجمه قرآن بسان استفاده از اندام مصنوعی به جای اندام طبیعی است و هرگز نمی‌تواند با قرآن کریم هم‌سطح باشد.^۱ ایشان در جای دیگر آورده است که معمولاً مترجمان، کلمه «انابه» را به تضرع و زاری و امثال آن برمی‌گردانند؛ در حالی که این ترجمه کالبدی بی‌روح از واژه‌ای است زنده. اگر حضرت ابراهیم علیه السلام «الحلیم اوّاه منیب»^۲ خوانده شده است، «انابه» او عبارت از گسستن از غیر خدا و پوچ‌انگاشتن علل و اسباب مادی و پیوستن به خداست و انابه او یعنی نیست‌انگاری ماسوی‌الله و گسستن از آن‌ها و پیوندیافتن با خدایی که هستی واقعی از آن اوست. این

۱. همان.

۲. هود، ۷۵.



حالت عرفانی را که در روحِ مفهومِ واژهٔ انابه وجود دارد، چگونه می‌توان با تضرع و زاری القا کرد؟^۱

چرا جای دور برویم؟ چه کسی تاکنون توانسته است ترجمه‌ای دقیق و معتبر از سورهٔ حمد و توحید که همه‌روزه در نمازها تکرار می‌شوند، به‌دست دهد؟ نگارنده که مدت‌ها در ترجمه‌های قرآن مجید به زبان‌های مختلف کاوش کرده و اطلاعاتی از بیش از دوهزار ترجمهٔ قرآن به بیش از یکصد زبان به‌دست آورده، تاکنون به ترجمهٔ دقیقی از آیهٔ شریف ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ دست نیافته است. کلمهٔ «الله» اسم خاص خداوند است و واژه‌هایی همچون «خدا»، «God»، «Dieo» و «Gottes» به‌عنوان معادل‌هایی تقریبی در برابر آن قرار می‌گیرند. بسیاری از مترجمان قرآن، مانند رودی پارت در ترجمهٔ آلمانی، پروفیسور حمیدالله

۱. حجتی، پیشین، ص ۶۲.

Allah خدا Jainkoaren
Бог God
D   jumal
上帝 Diynos
bog Gott
B  h Gud Bondye



در ترجمه فرانسوی و محمد (مارمادوک) پیکتال در ترجمه انگلیسی قرآن به این نکته توجه کرده‌اند. پیکتال در مقدمه سوره حمد می‌نویسد: «من در همه جای این ترجمه واژه Allah را حفظ نموده‌ام؛ زیرا این واژه هیچ معادلی در زبان انگلیسی ندارد.»^۱ او در تبیین تفاوت‌های اسم جلاله «الله» و واژه «God» در انگلیسی می‌نویسد: «از ویژگی‌های کلمه الله این است که نه مؤنث دارد و نه جمع‌پذیر است و لاجرم جز بر ذات یکتای وهم‌ناپذیر و متعالی، بر کسی یا چیزی قابل اطلاق نیست»^۲ برخلاف واژه «God» که هم تأنیث‌پذیر است (Goddess) و هم جمع‌پذیر (Gods/Goddesses)، یا مانند کلمه «خدا» در فارسی که به «خدایان» جمع می‌شود و از همین رو به غیر ذات حق تعالی نیز اطلاق می‌شود.

1. *The Glorious Quran*, Trans by: M. Pichthall, Salehi Publications Tehran ,P.3

2. Ibid.



همچنین «الرحمن» و «الرحیم» هریک به گونه خاصی از رحمت الهی اشاره دارند^۱ و تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، معادل دقیقی برای هیچیک از آن دو در زبان‌های دیگر شناخته نشده است. واژه‌هایی چون «بخشنده»، «بخشاینده»، «بخشایشگر»، «مهربان»، «مهرورز» و امثال آن در فارسی یا **Merciful, Compassionate, Mercy-giving, Beneficent** در انگلیسی و **Tout Misericordieux, Tres Misericordieux** در زبان فرانسه و نیز **des Gnadigen** و **des Barmherzigen** در زبان آلمانی هرگز نمایانگر معنای دقیق و معارف نهفته در واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم» نیستند.

۱. نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، تفسیر سورة حمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



تأثیر بی بدیل قرآن

قرآن از نظر لطافت و زیبایی، اعجاز آمیز و بدیل ناپذیر است و از همین رو جاذبه نیرومند و خارق العاده‌ای دارد. ساواری در مقدمه ترجمه قرآن به زبان فرانسوی می‌نویسد: «قرآن دارای تأثیری خاص و جاذبه‌ای ویژه است که مانند آن برای هیچ‌یک از کتاب‌ها نیست.»^۱

بنابراین، اگر مشکل معادل گذاری برای معانی بلند قرآن که در نماز قرائت می‌شود، به گونه‌ای حل شدنی باشد، لطافت و زیبایی آسمانی قرآن با هیچ ترجمه بشری فراچنگ آمدنی نیست. مگر نه این است که ترجمه‌های منظوم و مسجع و آهنگین قرآن پیش از آنکه در میان مردم جایی باز کند، به سرعت طراوت و زیبایی خود را از دست داده و تنها در موزه‌ها جایی برای خود پیدا می‌کند؛ اما قرآن مجید قرون و اعصار را درنوردیده و میلیاردها انسان

۱. مرتضی باقریان، پیرامون قرآن و عهدین، چ ۳، قم: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۸۵.



را از سویدای دل، شیفته و دل‌باخته خود ساخته و همواره پرتوافشانی‌های آن فزونی می‌یابد. پیکتال می‌نویسد: «قرآن را نمی‌توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی‌نظیر و آهنگ دل‌نشین آن، انسان را دگرگون می‌سازد و او را به خشوع و گریه یا شور و شوق وا می‌دارد.»^۱ پروفیسور ا. گیوم^۲ بر آن است که: «قرآن با آهنگ زیبای مخصوص دارای موسیقی دل‌نوازی است که گوش را می‌نوازد. عده کثیری از مسیحیان عرب‌زبان سبک قرآن را ستوده‌اند و از میان شرق‌شناسان کسانی که به زبان و ادبیات عرب آشنایی دارند، فصاحت و لطف و ظرافت شیوه قرآن را می‌ستایند. زمانی که قرآن را تلاوت کنند، جذابیت خاص آن بی‌اختیار شنونده را به‌سوی خود می‌کشد و این حلاوت و موسیقی دل‌نشین بود که فریاد سرزنش‌کنندگان را خاموش کرد و به کالبد شریعت پیامبر اسلام روح دمید و آن را غیرقابل تقلید گردانید. در

1. *The Meaning of the Glorious Qoran*, by: Muhammad M. Pichthall, Muslim World League _ Rabita, 1977 , P.III.

2. Alfred A. Guillume.



پهنه نظم و نثر و ادبیات پردامنه عرب، کتابی به فصاحت و بلاغت و بلندپایگی و پرمایگی قرآن نمی‌شناسیم و اثری نیست که بتوان آن را با قرآن مقایسه نمود. تأثیر عمیق آیات قرآن بر عرب و غیرعرب آن چنان است که عنان از کف می‌دهند.^۱ آرنولد نولدکه آلمانی در کتاب خود، تاریخ قرآن، آورده است: «کلمات قرآن چنان خوب و به هم پیوسته است که شنیدنش، با آن هماهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است، مؤمنان را به شور می‌آورد و قلب آنان را مالا مال از وجد و شغف می‌گرداند.»^۲

بارتلمی سنت‌هیلر، دانشمند فرانسوی، می‌نویسد: «قرآن کتابی است بی‌همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. استحکام الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار در

۱. The Quran Interpreted, A. J. Arbery, Newyork, 1974. V.2.p.10. به نقل از: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ترجمه تصویری و تفسیر آهنگین سوره فاتحه و توحید، چ ۲، تهران؛ فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۵.

به نقل از: همان 2. Geschichte des Quran, Neeldke, p.56.



سبک نوظهور آن، چنان متجلی است که پیش از آنکه خردها تسخیر معانی آن گردند، دل‌ها تسلیم آن می‌شوند. در میان پیامبران هیچ‌کس مانند پیامبر اسلام نتوانسته است این‌همه نفوذ کلام داشته باشد. قرآن با سبک خاص خود، هم سرود مذهبی است و هم نیایش الهی، هم شریعت و قوانین سیاسی و حقوقی و هم نویدبخش و هشداردهنده، هم پندآموز و هم راهنما و هدایت‌کننده به راه راست و هم بیان‌کننده قصه، داستان، حکم و امثال. بالاخره، قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتاب‌های مذاهب جهان نظیر ندارد. مسیحیان عرب‌زبان معترف‌اند که این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل‌وجان‌شنوندگان دارد.^۱

1. Hilaire, B. Saint, *Mohomet et le Quran Paris*, 1865 , p.1870

به‌نقل از: همان. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ک: مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱؛ سید قطب، التصوير الفنی فی القرآن؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ترجمه تصویری و تفسیر آهنگین سورة فاتحه و توحید، تهران: فرهنگ اسلامی.



مارگريت مارکوس (مریم جميله)، دوشیزه یهودی زاده آمریکایی، در شرح حال خود و چگونگی تمایلش به اسلام، آورده است که شنیدن آیاتی از قرآن مجید چنان او را شیفته و دل‌باخته کرد که موجب انس دائمی‌اش با قرآن شد و او را به مطالعه و بررسی درباره اسلام ترغیب کرد و این مسئله در نهایت به هدایت او به این دین مبین و نگارش ده‌ها کتاب و مقاله در دفاع از اسلام منجر شد.^۱

بنابراین قرائت آیات الهی در نماز، به‌ویژه اگر همراه با نغمه دل‌انگیز قرآن و توجه و تدبر در معانی آیات آن باشد، چنان تأثیری دارد که ترجمه را بدان راه نیست.

۱. نک: مقالاتی از بانو مریم جميله، ترجمه غلامرضا سعیدی و اقدس حسابی، قم: حر، ۱۳۵۶، ص ۹ تا ۱۲.





پویایی و پایی فرهنگ دینی

از منظر جامعه‌شناختی، زبان یکی از مهم‌ترین نمادها^۱ است. «نمادها رکن بنیادین زندگی اجتماعی انسان‌اند. بدون نمادها یا فرهنگ، انسان‌ها ناشناخته و سردرگم خواهند بود و جهان، آن‌گونه که ما آن را می‌شناسیم، از هم خواهد گسست.»^۲ «انسان‌ها در خلال نظامی از نمادها با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند، گذشته را به یاد می‌آورند و آینده‌رأپیش‌بینی می‌کنند.»^۳

۱. Symbols.

۲. جان‌اتان اچ. ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیر بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۷۴.
۳. همان، ص ۷۵.



از طرف دیگر، زبان نقش اساسی در فرهنگ‌پذیری^۱ و پایایی فرهنگی^۲ ایفا می‌کند: زبان، برجسته‌ترین عنصر فرهنگی، منتقل‌کننده آن و حافظ هویت تاریخی و فرهنگی هر ملت است. یکی از مشکلات بزرگی که تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، همچون ماهواره و اینترنت، پدید آورده‌اند، این است که سلطه نمادهای جدید و سربرآوردن یک زبان مسلط، موجب انقطاع فرهنگی و گسست رابطه نسل جدید با پیشینه فرهنگی خویش می‌شود و آن نیز به‌نوبه خود، زوال هویت را در پی می‌آورد.

انقطاع زبانی ← گسست فرهنگی ← زوال هویت

1. Acculturation.

فرهنگ‌پذیری عبارت است از دگرگونی فرهنگی که از اشاعه فرهنگ، یعنی پخش عناصر فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر، تحقق می‌یابد. برای آگاهی بیشتر، نک: چنگیز پهلوان، فرهنگ‌شناسی، تهران: پیام امروز، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴.

2. Cultural Stability

پایایی فرهنگی عبارت است از حفظ الگوهای فرهنگی در تماس با دیگر فرهنگ‌ها و تغییرناپذیری آن در برابر الگوهای فرهنگی معارض.



اگر استعمار نو (Neo-Colonialism) با تمام توان در بسط زبان خود می‌کوشد، از آن‌روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ و بیگانه‌سازی ملت‌ها با هویت خویش تغییر در زبان و ارتباطات کلامی است؛ برای نمونه روشنفکر نمایان غرب‌گرا همچون آخوندزاده و ملک‌خان در ایران و امثال آتاتورک در ترکیه فرایند دین‌زدایی و سکولاریزه کردن اجتماع را از مبارزه با خط و زبان عربی آغاز می‌کنند که ریشه در همین نکته دارد.^۱

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت یکی از حکمت‌های مهم عربی‌بودن نماز این است که از طریق آن، فرایند فرهنگ‌پذیری، انتقال، پویایی، استمرار و پایایی فرهنگ دینی در طول قرن‌ها و در میان نسل‌های پی‌درپی به‌خوبی انجام پذیرد. همه مسلمانان در هر زمان و هر مکان، از طریق نمازهای پنج‌گانه، ارتباط دائمی خود را با زبان دین حفظ کرده‌اند و

۱. جهت آگاهی بیش‌تر نک: جملیه علم‌الهدا، نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۴۸ تا ۶۸.



به وسیله این نماد، عناصر فرهنگ دینی را در میان خود نهادینه ساخته‌اند و به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند.

از طرف دیگر، این ارتباط پیوسته و دائمی و دارا بودن زبان مشترک دینی به پایایی فرهنگ دینی مدد می‌رساند و جوامع اسلامی را در حد چشمگیری در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان مصون می‌سازد. بنابراین عربی بودن نماز، هم در فرهنگ‌پذیری و انتقال فرهنگی مسلمانان نقش بسزایی دارد و هم در پایایی و پایداری فرهنگ و هویت دینی آنان.

نماد وحدت

زبان یکی از محورهای اشتراک و وحدت انسان‌هاست. از طرف دیگر، نماز به عنوان آیین عبادی دائمی و همگانی بیشترین نمادهای وحدت‌بخش را در خود نهفته دارد و نمایانگر یکپارچگی امت اسلامی در سراسر جهان بوده و الگویی بسیار زیبا و منحصر به فرد از وحدت



امت از هر دیار و هر نژاد و هر طبقه اجتماعی است. پرستش خدای یگانه با افعال و اذکار واحد، رو به قبله واحد و با استفاده از زبان واحد چیزی است که در هیچ جای جهان نظیری برای آن نمی‌توان یافت. بنابراین عربی بودن نماز در ایجاد انسجام و یکپارچگی و وحدت امت اسلامی نیز نقش بسزایی دارد.

حکایتی خواندنی

اکنون از باب حُسن ختام و شیرینی کلام، خاطره استاد محمدجواد شریعت با مرحوم آیت‌الله رحیم ارباب اصفهانی را درباره خواندن نماز فارسی تقدیم می‌کنیم:

سال ۱۳۳۲ ش بود. من و عده‌ای از جوانان پرشور آن روزگار پس از تبادل نظر و مشاجره به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به زبان فارسی بخوانیم و همین کار



را هم کردیم. والدین کم‌کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. آن‌ها پس از تبادل نظر با یکدیگر تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند؛ چون پند دادن آن‌ها مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم، به شیوه‌ای اهانت‌آمیز نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مُصرتر ساخت.

عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آن‌ها نزد حضرت ارباب شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما را خدمتش رهنمون شوند. در روز موعود ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند. در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت. آن بزرگ‌مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه‌رو هستیم. آقا در آغاز، دستور



پذیرایی از همه ما را صادر فرمود؛ سپس به والدین ما فرمود: «شما که به فارسی نماز نمی‌خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانمان تنها بگذارید.»

وقتی آن‌ها رفتند، به ما فرمود: «بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید.» آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود. هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبرو می‌شد. پس از آنکه همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود:

«والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید. آن‌ها نمی‌دانند من کسانی را می‌شناسم که نعوذ بالله، اصلاً نماز نمی‌خوانند. شما جوانان پاک‌اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی





بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی ام جامه عمل پوشانیده‌اید. آفرین به همت شما. در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده‌اید. اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط‌تر است، بگوید ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را چگونه ترجمه کرده است.»

یکی از ما به عادت دانش‌آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: «خوب شد طرف مباحثه ما یک نفر است؛ زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند برنمی‌آمدم.» بعد به آن جوان فرمود: «خُب بفرمایید بسم‌الله را چگونه ترجمه کردید؟» آن جوان گفت: «طبق عادت جاری، به نام خداوند بخشنده مهربان.» حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: «گمان نکنم ترجمه درست بسم‌الله چنین باشد. درمورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداست و اسم خاص را نمی‌توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی‌توان به آن گفت «زیبا». ترجمه



«حسن» زیباست؛ اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، خوشش نمی‌آید. کلمه الله اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می‌کنند. نمی‌توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد. خب، «رحمن» را چگونه ترجمه کرده‌اید؟»

رفیق ما پاسخ داد: «بخشنده». حضرت ارباب فرمود: «این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمن» یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشندگی او را می‌رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست. «رحمن» یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می‌کند و همه را در کنف لطف و بخشندگی خود قرار می‌دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن اعطا می‌فرماید. در هر حال، ترجمه بخشنده برای «رحمن» در حد کمال ترجمه نیست. خب، رحیم را چطور ترجمه کرده‌اید؟»

رفیق ما جواب داد: «مهربان». حضرت آیت‌الله ارباب فرمود: «اگر مقصودتان از رحیم، من بود، چون نام وی رحیم بود، بدم نمی‌آمد «مهربان» ترجمه کنید؛ اما چون رحیم کلمه‌ای



قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می‌برد؛ زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند. پس آنچه در ترجمه «بسم‌الله» آورده‌اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد.

من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم؛ اما به همین مشکلات برخورددم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره حمد بود. اگر به دیگر آیات بپردازیم، موضوع خیلی پیچیده‌تر می‌شود؛ اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به‌طور کلی بهتر است.»

در اینجا، همگی شرمنده و منفعل و شکست‌خورده از وی عذرخواهی کردیم و قول دادیم ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: «من نگفتم به عربی نماز بخوانید. هر طور دلتان می‌خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم.»



ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. حضرت
آیت الله ارباب با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را
بوسیدیم و درحالی که ما را بدرقه می کرد، خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و
از کار جاهلانۀ خود دست برداشتیم.^۱

۱. ماهنامه پُرسمن، ش ۴۰، س اول، آذر ۱۳۸۰، ص ۷۶.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.